

ضرورت یک تصحیح

علی تسنیمی

استادیار دانشگاه تربیت معلم سبزوار

مقدمه:

تصحیح و احیای میراث ارزنده‌ی باقی‌مانده از پیشینیان که در طی زمان به واسطه‌ی عوامل متعدد دستخوش تغییرات ناصواب شده‌اند، جزو ضروری‌ترین مباحث نقد ادبی است؛ به واقع لازمی هر بحث و نظری در اختیار داشتن نسخه‌ی است تا بتوان اطمینان نمود آنچه بر مبنای آن اظهار نظر می‌شود، متنی تراویده از خامی مؤلف و یا کاملاً نزدیک به نوشته‌ی وی است. به دیگر سخن، تحقیق‌هایی معتبرند و سندیت آنها می‌تواند مبنای تحقیقات بعدی قرار گیرد که مبتنی بر متون صحیح باشند.

روضه‌الشهدا، کتابی تاریخی و ادبی است که اهمیت موضوع پرداخته شده‌ی در آن و ویژگی‌های ادبی متن، برجستگی خاص به آن بخشیده و آن را در ردیف یکی از مشهورترین کتاب‌های مذهبی قرار داده است. مؤلف *روضه‌الشهدا* کمال‌الدین حسین بن علی معروف به کاشفی سبزواری و ملقب به واعظ از مشهورترین نویسندگان و دانشمندان قرن نهم و اوایل قرن دهم محسوب می‌گردد.

برخی از معاصرین کاشفی که گزارشی از زندگی او به دست داده‌اند، وی را سرآمد وعظ و واعظی می‌دانند. امیر علی شیر نوایی، در اثر خود، *مجالس النقایس*، ملاحسین کاشفی را به غایت ذوفنون و پرکار دانسته و وعظ و انشا و نجوم را حق مسلم او می‌داند (ر.ک: نوایی، ۱۳۶۳: ۹۳).

خواندمیر نیز، وی را بهره‌مند از اصناف علوم معقول و انواع فنون محسوس و منقول می‌داند که در علم تفسیر بی‌بدیل و در وعظ نیز سرآمد زمان است (ر.ک: خواندمیر، ۱۳۳۴: ۳۶۴/۴).

سال‌ها وعظ و واعظی و مطالعه در تاریخ، شرایطی را فراهم ساخت تا کاشفی در پایان عمر اثری از خود به یادگار بگذارد که صاحب *روضات* آن را اولین مقتل زبان فارسی می‌داند و معتقد است عنوان *روضه‌خوانی* برگرفته از آن کتاب می‌باشد (ر.ک: موسوی خوانساری، ۱۳۹۱: ۲۰۷/۳).

البته بر *روضه‌الشهدا* ایرادهایی نیز گرفته‌اند؛ از جمله افندی عمده‌ی روایات آن را بر گرفته از کتب غیر مشهور و نامطمئن می‌داند (افندی، ۱۴۰۱: ۱۹۰/۲).

محدث نوری نیز داستان عروسی قاسم را جزو قصه‌هایی می‌داند که «قبل از روضه در هیچ کتابی دیده نشده» (رک: نوری، ۱۳۷۱: ۱۹۴).

در این میان به نظر می‌رسد شهید مطهری شدیدترین انتقاد را بر کاشفی و کتاب او روا داشته است (رک: مطهری، ۱۳۷۸: ۵۳/۱).

البته با همه‌ی این‌ها، اگر بپذیریم که کاشفی، *روضه‌الشهدا* را نه به قصد تاریخ‌نگاری، بلکه با هدف تدوین روایی جریان عاشورا، با بهره‌گیری از زبان ادبی و عناصر داستانی نگاشته و با این کار جنبه‌های داستانی تاریخی اثر را ملموس‌تر کرده و عینیت بیشتر بخشیده است، شاید نگاه‌های تند انتقایی بر این اثر کمی منصفانه‌تر و ملایم‌تر شود.

نسخه‌های خطی:

بر مبنای فهرست نسخه‌های خطی منزوی، قدیمی‌ترین نسخه از *روضه‌الشهدا* مربوط به کتابخانه‌ی شخصی عبدالحمید مولوی است. این نسخه اگر چه در قرن نهم تحریر شده است، اما متأسفانه ناقص است و در حال حاضر محل نگهداری آن نیز مشخص نیست. دومین نسخه طبق فهرست مذکور، متعلق است به دارالکتب ۱۹ شهر قاهره که دسترسی به آن نیز ناممکن به نظر می‌رسد؛ مابقی نسخه‌های معرفی شده یا قابل دسترسی نیستند و یا ناقص و به نسبت متأخرند. به عنوان مثال دو نسخه از این اثر که در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، هر دو ناقص و در سده یازده و دوازده تحریر شده‌اند. اما خوشبختانه، با جستجو در فهرست مخطوطات کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی و کتابخانه‌ی ملی، نسخه‌هایی بسیار ارزشمند شناسایی گردیده است که به مختصات بعضی از آنها، به شرح زیر اشاره می‌شود.

۱- نسخه‌ای به شماره‌ی ۳۸۷۰؛ اصل این نسخه هم اکنون در کتابخانه‌ی ملک تهران نگهداری می‌شود، و میکروفیلم آن در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی موجود است. تاریخ کتابت نسخه، متأسفانه معلوم نیست، اما طبق ارزیابی کارشناسان کتابخانه‌ی مذکور، در قرن دهم تحریر شده است. نام کاتب در انجمنه‌ی نسخه، میرکی بن احمد شهرآبادی ثبت شده است که رفیعی مهرآبادی در *تاریخ خط و خطاطان*، این میرکی را از خطاطان و نقاشان و مذهبیان برجسته‌ی عصر سلیمان اول عثمانی معرفی می‌کند (رک: رفیعی، ۱۳۴۵: ۱۳۳).

۲- میکروفیلم نسخه‌ی شماره‌ی ۳۸۹۳ کتابخانه‌ی ملک، در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت در انجمنه‌ی نسخه، عاشر شهر ذی‌قعدة ۹۳۹، آمده است که به دست عبدالسلام کاتب، تحریر شده است.

۳- این نسخه نیز در کتابخانه‌ی ملک و به شماره‌ی ۳۸۶۰ ثبت شده و میکروفیلم آن در کتابخانه‌ی آستان قدس قابل دسترسی است. مشکل این نسخه، حذف بخش خاتمه از پایان کتاب است. البته لازم به

یادآوری است که تعداد دیگری از نسخه‌های موجود نیز، فاقد این بخش هستند و به نظر می‌رسد از آنجا که کاتبان این فصل را مربوط به موضوع نمی‌دانسته‌اند آن را از انتهای کتاب حذف کرده و گاهی جداگانه به عنوان کتاب انساب تجلید می‌کرده‌اند.

۴- نسخه‌ی شماره‌ی ۲۲۵۵۹ کتاب‌خانه‌ی آستان قدس رضوی، که در ربیع‌الاول ۹۶۷ به خط خوش نستعلیق، گلشنی کاشانی، تحریر شده است. علاوه بر این‌ها، نسخه‌های دیگری در کتابخانه‌ی آستان قدس موجود است که معرفی همه‌ی آنها ضرورتی ندارد.

۵- در کتابخانه‌ی ملی، نسخه‌ای از *روضه‌الشهدا* با تاریخ تحریر ۹۶۴ نگهداری می‌شود که بسیار آراسته و مزین است و جدول‌های طلایی و سرکپی‌های آن، زیبایی ظاهری کتاب را چندین برابر نموده است، اما کاتب و یا نسخه‌ی مورد استفاده‌ی او در رعایت امانت اهتمام نورزیده و متناسب با اعتقاداتی مذهبی، تصرفاتی در متن کرده‌اند که مقایسه‌ی این نسخه با دیگر نسخه‌ها، این امکان را فراهم می‌سازد تا تأثیر تعصبات مذهبی را در دستبرد به متون، به وضوح نشان داد.

پیشینه‌ی چاپ *روضه‌الشهدا*:

روضه‌الشهدا تا به امروز چندین نوبت در ایران و پاکستان چاپ گردیده است. در ایران ابتدا به سال ۱۳۳۲ توسط انتشارات کلاله‌ی خاور و سپس در سال ۱۳۳۳ و ۱۳۴۱ انتشارات کانون معرفت و انتشارات اسلامیة مجدداً این کتاب را به چاپ رسانیده‌اند.

همین متن در سال ۱۳۳۹ با مقدمه و حواشی محققان‌ی ابوالحسن شعرانی توسط انتشارات اسلامیة منتشر گردید. در سال ۱۳۸۱ مجدداً همین متن (با اندک تغییرات در حواشی و البته اغلاط مطبعی فراوان) توسط عبدالرحیم عقیقی بخشایشی و به همت انتشارات نوید قم منتشر شده است. مقایسه‌ی این چاپ‌ها نشان می‌دهد منشأ همه، نسخه‌ی واحدی است که برای اولین بار توسط کلاله‌ی خاور منتشر گردیده و هیچ تفاوت مشخصی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود.

از آنجا که پژوهنده، اخیراً موفق به تصحیح متن *روضه‌الشهدا* گردیده و در این راه از نسخه‌هایی معتبر بهره برده است، بر آن شد تا در این مقاله بخشی از خطاهای موجود را بررسی نموده و اهمیت دقت در اصالت دست‌نوشته‌های کهن را باز نماید. به همین خاطر، نخست به خطاها و اشتباهای واژگان و ترکیب جملات می‌پردازد و سپس به مواردی اشاره می‌نماید که کاتبان در طول ادوار، مطابق با سلیقه و مذهب خویش، مطالبی را در متون افزوده و یا چیزهایی را کاسته‌اند.

یادآوری می‌شود شاهد مثال‌ها از تصحیح شعرانی که از دقت بیشتری برخوردار می‌باشد انتخاب شده‌اند.

الف) خطاهای واژگانی:

- ۱- شعرانی: و بوادی جور و جفا را به اقدام صبر پیمودن، منهج زواید فواید ثواب است. ۷۲/
- مصصح: و بوادی حصص حصص را به اقدام صبر پیمودن، منهج زواید فواید ثواب است.
- ۲- شعرانی: به درستی که قوم عزم جزم کرده‌اند بر کشتن تو و هر کس نصیبی از خون تو با خود تخمیر کرده است. ۷۳/
- مصصح: به درستی که قوم عزم جزم کرده‌اند بر کشتن تو و هر کس نصیب خود از خون تو با خود تخمین کرده.
- ۳- شعرانی: [حضرت رسول(ص)] و در روز القاء شمیمه ابوجهل و عتبه و شیبه و ابی‌وامیه و عماره را دعای بد کرد. ۷۴/
- مصصح: [حضرت رسول(ص)] و در روز القاء شمیمه ابوجهل و عتبه و شیبه و ابی‌وامیه و عماره را دعای بد کرد.
- ۴- شعرانی: پس جعفر بن ابی طالب را فرا گرفت و به مرتبه‌ی شهادت رسید. ۹۱/
- مصصح: پس جعفر بن ابی طالب را پست فرا گرفت و به مرتبه‌ی شهادت رسید.
- ۵- شعرانی: فاطمه گفت: یا رسول الله! مردی غریب با صوتی مهیب و صورتی عجیب بر بیرون ایستاده اذن می‌طلبد. ۱۱۲/
- مصصح: فاطمه گفت: یا رسول الله! مردی غریب با صوتی مهیب و صورتی عجیب بر بیرون ایستاده اذن می‌طلبد.
- ۶- شعرانی: به درستی که هر دشواری را از هر مصیبتی عوضی هست. ۱۱۲/
- مصصح: به درستی که هر آسانی را از هر مصیبتی عوضی هست.
- ۷- شعرانی: مهر مهر جد بزرگوار خود بر نگین دل من عرض فرمای تا احکام اسلام را گردن نهم. ۱۲۰/
- مصصح: مهر مهر جد بزرگوار خود بر نگین دل من نگار و کلمه شهادت را بر من عرض فرمای.
- ۸- شعرانی: و ابن بابویه در کتاب آل از حسن عسکری نقل می‌کند. ۱۲۲/
- مصصح: و ابن خالویه در کتاب آل از حسن عسکری نقل می‌کند.
- ۹- شعرانی: دختر عتبه اگر در دنیا بر متکای عشرت، تکیه می‌زند در آخرت بر عقبه‌ی عقابش باز خواهند داشت. ۱۲۵/
- مصصح: دختر عتبه اگر در دنیا بر متکای عشرت، تکیه می‌زند در آخرت بر عقبه‌ی عقابش باز خواهند داشت.

۱۰- شعرانی: لوائی حمد برای تو مقرر شده، و لوائی حمد علمی است که خاصه‌ی حضرت رسالت است و ارتفاع آن لواء مقدار هزار ساله راه است و قبضه‌ی آن فضه‌ی بیضا است و مسنان او از یاقوت احمر و زجه‌ی او از زمرد اخضر.

مصحح: حمل لواء الحمد برای تو مقرر شده، ولواء الحمد علمی است که خاصه‌ی حضرت رسالت است - صلی الله علیه و سلم - و ارتفاع آن لواء مقدار هزار ساله راه است و قبضه‌ی آن فضه‌ی بیضا است و ستان او از یاقوت حمرا و روحه‌ی آن از زمرد خضرا. ۱۳۲/

۱۱- شعرانی: [حضرت رسول(ص)] فرمود که: ای فاطمه! در مطیخ خویش درآی و نگاه کن که چه می‌بینی. ۱۳۳/

مصحح: [حضرت رسول(ص)] فرمود که: ای فاطمه! در مُطِیخِ خویش درآی و نگاه کن که چه می‌بینی. ۱۲- شعرانی: چون خادمه آن تحفه را درآورد و نزدیک فاطمه نهاد، بتول عذرا اسباب مهمانی مهیا دیده، آن را در ظرفی نهاده و سر بپوشید. ۱۳۷/

مصحح: چون خادمه آن تحفه درآورد و نزدیک فاطمه نهاد، بتول عذرا اسباب مهمانی مهیا دیده، آن را در جفته‌ای نهاده و سر بپوشید.

۱۳- شعرانی: [حضرت علی خطاب به حضرت فاطمه(ع)] گفت: ای مخدمه‌ی دو جهان و ای معصومه‌ی آخر الزمان، ای دوچبه‌ی دویحی و ای مریم دو عیسی. ۱۳۷/

مصحح: [حضرت علی خطاب به حضرت فاطمه(ع)] گفت: ای مخدمه‌ی دو جهان و ای معصومه‌ی آخر الزمان، ای حنه‌ی دویحی و ای مریم دو عیسی.

۱۴- شعرانی: و در ریاض بهشت می‌گردانیدند و حور بی‌قصور و افرائیور به من می‌نمودند. ۱۸۶/

مصحح: و در ریاض بهشت می‌گردانیدند و حور بی‌قصور و قصور و افرائیور به من می‌نمودند.

۱۵- شعرانی: سبط نبی و نخل ولی یعنی حسین بن علی، علیها سلام، با جمعی میهمانان از اشراف عرب و عظمای علم و ادب، بر سر خوانی نشسته بودند. ۱۹۷/

مصحح: سبط نبی و نخل ولی یعنی حسین بن علی با جمعی میهمانان از اشراف عرب و عظمای علم و ادب، بر سر خوانی نشسته بودند.

۱۶- شعرانی: من شما را به احیای دین حق و مراسم امانت دیانت دعوت می‌کنم. ۲۶۳/

مصحح: من شما را به احیای معالم حق و امامته‌ی مراسم باطل دعوت می‌کنم.

۱۷- شعرانی: آن حضرت دست به یک چغه مالید به قدرت الهی و نگلی سبز گرفت. ۲۴۷/

مصحح: آن حضرت دست به یک حله مالید به قدرت الهی لونی چون زمرد سبز گرفت.

۱۸- شعرانی: این جای ریختن خون‌های ماست. این محط و جمال آل عبا است. ۲۵۹/

- مصیح: این جای ریختن خون‌های ماست. این محط رحال آل عبا است.
- ۱۹- شعرانی: و اگر از صافه‌ی جور شما که بنای شکیبایی اصحاب مرا از بنیاد برانداخته. ۲۷۵/
- مصیح: و اگر از صافه‌ی جور شما که بنای شکیبایی اصحاب مرا از بنیاد برانداخته.
- ۲۰- شعرانی: که شمر بانگ بر لشکر زد، که گرداگرد وی فرو گیرید. ۲۸۰/
- مصیح: که شمر حمله بر لشکر زد، که گرداگرد وی فرو گیرید.
- ۲۱- شعرانی: تیغ آبدار را برگرفته و هر خاکسار را که بر فرق می‌زد، تا سینه می‌شکافت و هر که را بر میان می‌زد، دو نیم می‌کرد. ۲۸۰/
- مصیح: تیغ آبدار برگشید و هر خاکسار را که بر فرق می‌زد، تا سینه می‌شکافت و هر که را بر میان می‌زد، پرنیان می‌کرد.
- ۲۲- شعرانی: از یک جانب جنود سعادت ورود امام کونین و نور دیده‌ی نبی الثقلین. ۳۰۶/
- مصیح: از یک جانب جنود مقنون به سعود شاهزاده‌ی کونین و نور دیده‌ی نبی الثقلین.
- ۲۳- شعرانی: هر یکی دست سلاح نبود پوشیده طرید کردند. ۲۸۷/
- مصیح: هر یکی دست سلاح زمره پوشیده طرید کردند.
- ۲۴- شعرانی: فرصت عمر غنیمت است و هنگام اتصال به دولت آخرت است. ۳۰۶/
- مصیح: فرصت عمر غنیمت است و هنگام اخراز دولت آخرت است.
- ۲۵- شعرانی: بعد از کارزار بسیار از قنطره‌ی عبور به مرتبه‌ی سور و سرور رسید. ۳۱۰/
- مصیح: بعد از کارزار بسیار از قنطره‌ی عبور به مرتبه‌ی عبور و سرور رسید.
- ۲۶- شعرانی: احوای آثار پدر عالی‌مقدار خود کرد و اندک زمانی را به وصال آن حمیده خصال رسید. ۳۱۰/
- مصیح: افتخای آثار پدر عالی‌مقدار کرد و اندک زمانی را به وصال آن حمیده خصال رسید.
- ۲۷- شعرانی: پسر ازرق با زره تنگ حلقه و خود فولادی و ساقین و ساعدی زوین روی به میدان نهاد. ۳۲۵/
- مصیح: پسر ازرق با زره تنگ حلقه و خود فولادی و ساقین و ساعدین روی به میدان نهاد.
- ۲۸- شعرانی: شخصی مهیب با شکلی عجیب بر مرکبی هرویپ نشسته، که سر و دستش به سر و تن اسب می‌مانست، و پایش مشابه شیر بود. ۳۳۶/
- مصیح: شخصی مهیب با شکلی عجیب بر مرکبی نشسته، که سر و دستش به سر و تن اسب می‌مانست، و پایش مشابه پای شتر بود.
- ۲۹- شعرانی: دیگر مصحف حضرت فاطمه و جعفر ابیض و جامع و جعفر احمر و علم مخالفت و مزبور و باقی علوم که غیر ائمه اهل و بیت کس را بر آن اطلاع نیست. ۳۴۲/

مصیح: دیگر مصحف فاطمه و جعفر ابیض و جامع و جعفر احمر و علم فیاقت و مزبور و باقی علوم که غیر ائمه اهل و بیت کس را بر آن اطلاع نیست.

۳۰- شعرانی: یکی از بدبختان در مدینه خطبه خواند و به قتل امام حسین - علیه السلام - اظهار شهادی و خوشحالی نمود.

مصیح: یکی از بدبختان در مدینه خطبه خواند و به قتل امیرالمؤمنین حسین - علیه السلام - اظهار پشاشت کرد.

ب) تعصبات مذهبی و تصرف در متن:

۱- شعرانی: یکی از صحابه آنجا حاضر بود فریاد برآورد و در گریه افتاد. ۷۲/

مصیح: ابویکر صدیق حاضر بود فریاد برآورد و در گریه افتاد.

۲- شعرانی: و هرگاه صحابه تحیت پسر وی به جای آوردی. ۹۲/

مصیح: و هرگاه عبدالله عمر تحیت پسر وی به جای آوردی.

۳- شعرانی: ام سلمه گفت: یا رسول الله! نه گناهان گذشته و آینده‌ی تو مغفور گشته و تو از صغیره و کبیره معصومی، موجب گریه چیست؟ ۱۱۴/

مصیح: ام سلمه گفت: یا رسول الله! نه گناهان گذشته و آینده‌ی تو مغفور گشته؟ موجب گریه چیست؟

۴- شعرانی: و او همراه آن مردمان که به قتل عثمان آمده بودند آمده بود. ۱۹۳/

مصیح: و او همراه آن مردمان که به قتل ذوالنورین آمده بودند آمده بود.

۵- شعرانی: در مکه نماز خفتن گزارده در مسجد اقصی سنت ادا کرده، در زیر عرش مجیدش بگذرانیده. ۱۲۰/

مصیح: در مکه نماز خفتن گزارده در مسجد اقصی سنت ادا کرده، در زیر عرش به نماز وتر قیام

نموده، حق - سبحانه - بر او سلام نموده، از عرش مجیدش بگذرانیده.

۶- شعرانی: فاطمه را هیچ رنجی والمی نبود جز غم فراق پدر و تقدم اصحاب بر علی و تصرف ایشان

در فدک. ۱۳۷/

مصیح: فاطمه را هیچ رنجی نبود و جز غم فراق پدر المی نداشت.

۷- شعرانی: فاروق گفت: یا رسول الله. ۱۵۸/

مصیح: فاروق اعظم - رضی الله و عنه - گفت: یا رسول الله.

۸- شعرانی: حضرت فرمود که بگذار او را که او را یاراند که هر یک از شما را حقیر شمارد و با مارقین بر

دین و امیر حق بیرون آیند، پرسیدند یا رسول الله مارقین کیانند، روزه دارند و نماز گزارند، فرمود که

اینها همه کنند و قرآن نیز خوانند، اما بیرون روند از اسلام به سرعت همچنان که تیر از کمان بیرون

رود. ۱۵۸/

مصیح: حضرت - صلی الله علیه و سلم - فرمود که ای عمر بگذار او را که او را یاراند که هر یک از شما حقیر شمارد، نماز خود را با نماز ایشان و روزه خود را با روزه ایشان. قرآن خوانند و از چنبر گردن ایشان تجاوز نمایند. بیرون روند از اسلام به سرعت، همچنان که تیر از کمان بیرون رود.

۹- شعرانی: دست و گردنش بر هم بسته به مسجد درآوردند و امیرالمومنین فرزند خود امام حسن را فرمود تا با مردم نماز بامداد بگذارد اما چون ابن ملجم را به مسجد درآوردند امیر را چشم بر روی افتاد گفت یا اخیالمراد مگر من بد امیری بودم شما را ۱۶۸/۲۱

مصیح: دست و گردنش بر بسته به مسجد درآوردند و امیر را چشم بر روی افتاد، گفت یا اخیالمراد مگر من بد امیری بودم شما را؟

۱۰- شعرانی: و نقل اصح آن است که آن حضرت وصیت کرده بود که جنازه‌ی مرا به روضه جد بزرگوارم برید؛ و اگر مخالفان نگذارند که مرا آنجا دفن کنید، زهار و الف زهار، جنگ نکنید و مرا برگردانید و به بقیع ببرید؛ چون برادران به موجب فرموده عمل نمودند و جنازه‌ی آن حضرت را متوجه سده‌ی علی‌یه نبویه گردانیدند، مخالفین جنازه را تیر باران کردند و از آنجا به بقیع برده دفن کردند. ۱۸۹

مصیح: روایت فوق در چگونگی به خاک سپردن امام حسن (ع) اضافه شده است.

۱۱- شعرانی: و به قول بعضی می‌گویند، که در اقصای بلاد مغرب، شهرها در تصرف آن حضرت است، او را فرزندان و نبیرگان اثبات می‌کنند... إِنَّهُ يَعْلَمُ السُّرَّ وَ أَخْفَى. ۴۱۹/۴

مصیح: و به قول بعضی که او را [امام مهدی (هج)] زنده می‌دانند می‌گویند، در اقصای بلاد مغرب، شهرها در تصرف او است، او را فرزندان اثبات می‌کنند و حق - سبحانه و تعالی - بدین داناتر است.

... إِنَّهُ يَعْلَمُ السُّرَّ وَ أَخْفَى. ۴

نتیجه:

در مقایسه‌ی بین نسخه‌های چاپی موجود کتاب *روضه‌الشهد*، با نسخه‌های کهن و معتبری که به یقین در اختیار مصححان قبلی این کتاب نبوده است و به نسبت مستند و قابل اعتمادند، به شواهدی روشن و متقن دست یافتیم که می‌توان ادعا کرد برخی کاتبان، به عمد یا از روی سهو، در متن کتاب دست برده و در آن تغییراتی ایجاد کرده‌اند؛ این تغییرات گاهی منحصر به تفاوت و اختلاف در بعضی از واژگان است که امری طبیعی و معمول به شمار می‌آید.

اما از دقت در بعضی از تغییرات عمدی، که بیشتر متوجه تعصب‌های مذهبی کاتبان بوده است اطلاعات ذی قیمتی به دست می‌آید که محققان بدون آگاهی از آنها از تحقیق دقیق در باره‌ی اندیشه و نحله فکری یکی از نویسندگان بزرگ و تأثیرگذار قرن دهم محروم خواهند ماند.

منابع

۱. افندی، میرزا عبدالله؛ ریاض العلماء و حیات القضاة؛ ترجمه‌ی محمدباقر ساعدی، اول، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۱ق.
۲. خواندگیر، غیاث‌الدین؛ حسیب السیر فی انبیا افراد بشر؛ تهران: خیام، ۱۳۳۴.
۳. کاشفی سبزواری، کمال‌الدین حسین بن علی؛ روضة الشهداء؛ تصحیح ابوالحسن شحرابی، چهارم، تهران: اسلامیة، ۱۳۷۱.
۴. محدث نوری، میرزا حسین؛ لؤلؤ مرجان در آداب اهل بیت؛ سوم، قم: طباطبائی، ۱۳۷۱.
۵. مطهری، مرتضی؛ حماسه حسینی؛ سوم، قم: صدرا، ۱۳۶۵.
۶. موسوی خوانساری، میرزا محمدباقر؛ روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات؛ اول، تهران: اسماهیلیان، ۱۳۹۱ق.
۷. نوایی، امیرعلی شیر؛ مجالس النفایس؛ ترجمه‌ی شاه محمد قزوینی و محمد قنبره‌رانی، تصحیح علی‌اصغر حکمت، اول، تهران: منوچهری، ۱۳۶۳.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.